

تحمیل يك جرمی خواهم کرد و یکساعت دیر تر خواهم آمد و این را ملاحظه فرموده اید که معمولاً می بینیم برای هر ساعتی که وقت معین شده است غالباً یکساعت یا یکساعت و نیم بعد مجلس تشکیل شده است در صورتی که سه ساعت بظهر مانده نمی تواند حاضر شوند چهار ساعت بظهر مانده بطریق اولی حاضر نخواهند شد بنده عقیده ام این است که کلیه جلسه صبح اسباب کم کار کردن می شود خوب است جلسه صبح موقوف شود مگر در عصر شود اگر می فرمائید هوا گرم است ممکن است یکساعت بفرود مانده جلسه تشکیل شود تا دوساعت از شب گذشته که اگر يك کار فوق العاده پیدا شد ممکن باشد یکساعت یا دوساعت بیشتر کار کنیم ولی اگر قبل از ظهر باشد ممکن است کار زیادتر باشد و ظهر که شد حتماً باید جلسه ختم شود و کار زمین خواهد ماند بنا بر این اختتام جلسه نباید محدود بوقت باشد و باید محدود بکار باشد و این جهاتی که عرض کردم بنده اصلاً با جلسه صبح مخالفم و عقیده ام این است جلسات عصر تشکیل شود .

رئیس - چون آقایان از این مسئله مسبوق بودند گمان می کنم بیشتر از این مذاکرات لازم نباشد رای می گیریم به پیشنهاد آقای وقار السلطنه یعنی از چهار ساعت بظهر مانده تا یکساعت قبل از ظهر آقایانی که تصویب می کنند قیام نمایند .

رئیس - تصویب نشد پس جلسه همان سه ساعت قبل از ظهر است .

(گفته شد برای عصر هم رای گرفته شود)

رئیس - برای عصر در جلسه گذشته رای گرفته شد و در گذشته است .

(جلسه سه ربح بعد از ظهر ختم شد)

جلسه ۴۹

صورت مشروح جلسه شبیه بیست و چهارم شهر رجب المرجب ۱۳۲۳

مجلس تقریباً دو ساعت قبل از ظهر در تحت ریاست آقای سلیمان میرزا نایب رئیس تشکیل و صورت مجلس روزشبه قرائت گردید

غائبین بدون اجازه آقایان حاج امام جمعه - حاج شیخ اسمعیل .

با اجازه آقایان ناصر الاسلام - مشارالدوله .

نایب رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی هست (اظهاری نشد)

صورت مجلس تصویب شد دستور امروز شور دوم در قانون پستی است از ماده چهارم (ماده چهارم بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۴ - فرمانده هر جهازی که وارد یکی از بنادر ایران میشود یا در حین عبور در آنجا لنگر میاندازد باید مراسلات و سایر اشیاء را چه بامتیاز انحصاری پست را که در کشتی موجود است بنزدیکترین دفتر پست تحویل بدهد ولی اشیاء ذیل از این قانون مستثنی است .

اولا - مرسولاتی که بعنوان پستخانه دیگری غیر از پست خانه مذکور است و یا بعنوان یکی از دفاتر پست خارجه است که باید همان کشتی بمقصد برساند ثانیاً - اوراق را چه بیارهای کشتی که در پاکتهای سرباز باشند مخارجی که فرماندهان کشتیهای

اتفاقی بجهت حمل پاکتها و سایر اشیائی که از ممالک ماوراء البحر یا بدان ممالک ارسال میشود باید تأدیه شود از طرف دولت معین خواهد گردید .

نایب رئیس - در قسمت اول این ماده نظریاتی نیست (اظهاری نشد) در قسمت اول و دوم و سوم از مستثنیات هم نظری نیست رای میگیریم بماده چهارم آقایانیکه موافقت قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - اکثریت است - ماده پنجم قرائت میشود .

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده پنجم - آنچه اکیداً ممنوع است

اولا - جا دادن پاکتها و لوازمی که سرباز باشد و بادداشتهائی که در حکم مکاتبات شمرده میشوند در امانات پستی سریع السیر و امانات پستی بطئی السیر و بسته های روزنامهجات و مطبوعات و مستوره های تجارتنی و اوراق کار که حقوق محققه پستی بآنها تعلق می گیرد .

ثانیاً - مکاتبات شخصی و مرقومات و اعلاماتی که شبیه بآن است در دروی لفافه مرسولاتی که حقوق مخففه پست بآنها تعلق میگیرد باستثنای مکاتبه که فصل بیستم این قانون در دروی کارت ویزیت اجازه میدهد ثالثاً - جا دادن اسکناس و حوالجات باسم حامل و مسکوکات در مرسولات بیمه نشده و غیر سفارشی رابعاً - جا دادن اسبابهای طلا و نقره و جواهرات و سایر اشیاء قیمتی و قطعات پول در پاکتها و لوازمی که بیمه یا سفارشی شده باشد و در سایر مرسولات پستی غیر از امانات پستی بیمه شده .

نایب رئیس - در قسمت اول از ماده پنج نظریاتی نیست .

(اظهاری نشد)

در قسمت دوم هم نظریاتی نیست .

حاج شیخ حبیب الله - این جا نوشته شده است (مکاتبات شخصی) این معنایش يك قدری عیب دارد مکاتبه از دو طرف است باید نوشته شود کتابات و مرقومات . . .

نایب رئیس - مکرراً آقای رئیس یاد آوری فرمودند که اصلاح عبارتی راجع بکمبسیون است اگر در موضوع مکاتبات یا کتابات نظریاتی دارید بکمبسیون اظهار فرمائید اصلاح می شود .

حاج شیخ حبیب الله - مقصود این است که لفظ (شخصی) لازم نیست باید هر قسم کتابت ممنوع باشد قید شخصی لازم نیست و این اصلاح عبارتی نیست

نایب رئیس - در قسمت سوم مخالفی نیست **سر دار معظم** - اولاً يك مسئله اساسی

در این جا هست که درست برای بنده روشن نیست و آن اینست که هر کسی مختار است هر نوع تصرفی در مال خودش بکند وقتی که بنده پاکت خودم را بیمه نمی کنم یعنی حاضر برای مخاطرات آن هستم دیگر تصور نمی کنم که يك اداره نسبت بیول من از خود من دلسوز تر باشد من چون پاکت خودم را بیمه نکرده ام از خودم حق اعتراض را سلب میکنم ولو این که کم شود از طرف دیگر اداره بچه طریق می تواند حس کند که بنده اسکناسی که حکم يك کافذی را دارد جوف کافذم گذارده و فرستاده ام

فرض کنیم چنانچه بعضی ها می گویند اسکناس را بشود در پاکت حس کرد ولی حواله باسم حامل را می شود حس کرد و بطور می شود فهمید که در يك پاکتی حواله باسم حامل گذارده شد یا کافذ احوالپرسی پس وقتی که ما يك همچو چیزی را در این قانون گذاشتیم ممکنست در بعضی مواقع یا کتھا را باز کنند و بگویند ما حس کردیم در جوف این پاکت حواله باسم حامل هست و چون مطابق قانون حمل حواله باسم حامل ممنوع است ما باز کردیم بعد دیدیم اشتباه کرده ایم بنده اساساً تصور می کنم که این مسئله هر دو فقره اش بدست و بهتر این است این فقره حذف شود و اگر به این حال ایماند اسباب اشکال خواهد شد .

معاون وزارت پست و تلگراف - بنده

برعکس گمان می کنم نوشتن این ماده خیلی لازم است برای این که این طوری که فرمودند سلب آزادی از مردم نمی کند برعکس اداره پست میخواهد حقوق آنکسی را که اسکناس نه برات در جوف پاکت می گذارد حفظ کند لهذا این را اکیداً ممنوع می کند ولی آن شخص مختار است میخواهد بگذارد لکن چون اداره پست مکلف است پاکت مردم را برساند برای این که مردم بدانند اداره پست مسئول نیست و باید بترتیب بیمه شده بفرستند تا اداره پست در موقع مفقود شدن بتواند از عهده غرامت بر آید این است که میگوید این مسئله اکیداً ممنوع است حالا مردم می خواهند بگذارند مختارند بنا بر این بنده این ماده را که در اینجا نوشته شده خیلی لازم میدانم

وحیدالملک - نظر بنده همان نظر آقای

سر دار معظم است که اگر این فقره حذف شود بهتر است چون فقره اول و دوم اگر مجزا نشود به اداره پست ضرر می خورد اما در این فقره اگر پاکتها کم شود ضرر بفرستنده می خورد و این فقره وجودش هم لازم نیست باید حذف شود

معل الدوله - بنده تصور میکنم اگر يك جزئی

دفتی در این ماده شود تصدیق فرمائید که لازم است این مطلب نوشته شود حالا تصحیح عبارتی را حرفی ندارم که اگر بخواهند تصحیح بشود عبارت روشن تر و واضح تر نوشته شود ولی مفهوم نباید تغییر کند مقصود از این ماده این است که باید معین شود که هیچ کس قانوناً و معمولاً حق ندارد اسکناس یا برات باسم حامل در پاکت بیمه نشده بگذارد و یعنی اگر چنانچه يك کسی يك پاکتی فرستاد و کم شد حق ندارد شکایت کند و بگوید فلان دلیل و فلان شاهد فلان قدر پول در پاکت خودم گذاشتم و اجزاء پست مطلع شده اند که در این پاکت پول است و مخصوصاً برداشته اند و قبض سفارشی هم در دست دارم و در وقتی که وجه را میگذاشتم فلان و فلانکس حاضر بودند و شاهد هستند بطور شد است که پست را زرده اند و فقط پاکت من مفقود شده در این صورت در جواب آن شخص میتواند بگویند چون قانوناً ممنوع بود شما يك چنین کاری نکنید و خلاف قاعده کرده اید حق مطالبه ندارید پس وقتیکه قانون يك کسی را از يك امری منع میکنند برای جلوگیری از اظهارات اوست عرض کردم عبارتی که نوشته شده قابل تعریف هست ولی مقصود باید نوشته شود و لیکن اگر بطور مطلق بگذاریم و بگذاریم همانطور که عرض کردم ممکن است يك روزی يك شخصی بیاید و بگوید که فلان

یا کت را به بستخانه دادم فقط یا کت بمن نرسیده و تمام یا کتهای دیگر رسیده است و با چراغ الکتریکی احساس کرده اند که پول در آن یا کت بوده است باین واسطه باز کرده اند و سرفرت کرده اند برای اینکه یک همچو چیزی واقع نشود قانون باید قید کند که گذاشتن اسکناس و حواله با هم حامل در یا کتها ممنوع است

سردار معظم - بنده تصور میکردم در اشکال بنده جوابی داده خواهد شد که بنده را قانع خواهد کرد ولی می بینم که مذاکره نقل و انتقال بیک صحبت دیگری پیدا کرده و آن مبحث رفع اشکال بند را نمیکند ولی اگر بنده رفع اشکال آقای مدلل الدوله را کردم باید ایشان هم با بنده همراه باشند ایشان لزومی که برای نوشتن این ماده میدانند این است که اگر یک کسی بیاید بگوید من یک کافندی داده بودم و چطور شده است نرسیده بتوانند بگویند تو حق مطالبه نداری برای این کار ممکن است در قانون بنویسیم که اداره است فقط مسئول و جوهی خواهد بود که در کافندهای بیمه شده فرستاده میشود و الا هیچ نوع مسئولیتی در مقابل وجوهی که در کافند هائیکه غیر بیمه شده فرستاده میشود باو تعلق نمیکند آنوقت اگر بنده آدم و یک ادعائی کردم ممکن است اداره است بگوید من بوجوب این ماده مسئولیتی ندارم و در قانون نوشته شده است که من فقط مسئول کافندهای بیمه شده هستم پس از این راه اشکال خیلی سهل مرتفع میشود ولی اصلاً بنده یک اشکالی دارم که معلوم میشود یک اختلاف نظری در اصل ایجاد بستخانه است بستخانه برای چیست؟ بستخانه فقط برای سهولت امر مردم و رساندن کافندی های مردم است دیگر حق تعیین تکلیف برای مردم ندارد اگر بنده بخواهم یک اسکناس صد تومانی را از جیب خودم بیرون بیاورم آتش بزنی یا پاره کنی کسی حق دارد جلوم را بگیرد و اگر یک حواله با هم حامل داشته باشم بخواهم پاره کنم بیندازم دور کسی حق دارد جلوم را بگیرد؟ خیر پس چطور شده است در تمام این شقوق مختار هستم ولی در موقع (ریسک) و خطر انداختن پول خودم بتوسط کافندی های بیمه نشده حق ندارم این یک چیز فریبی بنظر بنده می آید من با وجود اینکه بدانم وقتیکه پول خودم را در یا کت بیمه نشده میفرستم اداره مسئول آن نیست یعنی اگر گم شود کسی مسئول آن نیست دیگر شما چطور میفرمایید این حق را از من سلب کنید که پولم را بفرستم دلم میخواهد بفرستم دلیلی در مقابل نیست که یک کسی از من جلوگیری کند که پول خودم را بخاطر بیندازم اداره بستخانه حق دارد خودش را محفوظ بدارد و بگوید پول ها و حوالجاتی که در کافندی های بیمه نشده فرستاده می شود مسئول آنها بستخانه نخواهد بود این حرف منطقی است و ما زیاد آن منطقی نیست بملایم یک قسمت عملی در اینجا هست و آن این است که آیا اداره بستخانه از کجا و بچه وسیله میتواند بفهمد که در میان یا کت من یک اسکناس یا یک حواله است یا یک کافندی حواله برسی است؟ پس برای اینکه بتواند بماده قانون عمل کند طبعاً حق پیدا میکند که کافندی ها را باز کند و به بیند در جوف آنها کافندی احوال برسی است یا حواله با هم حامل است آنوقت آن مسئله مهم که محفوظ ماندن مراسلات مردم از تفتیش بود از میان

میرود و بواسطه یک چنین ماده که در این قانون گذاشتیم میتواند متوسل بان بشود و بگوید چون قانوناً بن اجازه داده شده است حوالجات با هم حامل را حمل نکنند و مجبور بودم بوظیفه قانونی خود عمل کنم لهذا این یا کت را باز کردم برای اینکه ببینم کافندی احوال برسی جوف او است یا حواله با هم حامل پس این ماده نه راجع بحق مالکیت اساسی دارد و نه در عمل نتیجه خوبی خواهد داد و بنده نمیدانم بچه علت باید یک چنین ماده را در اینجا بگذاریم که اسباب زحمت بشود بنا بر این بنده تصور میکنم باید این فقره در این ماده حذف شود منتها از برای اینکه یک اشتباهی حاصل نشود و اشکالی که آقای مدلل الدوله فرمودند تولید نشود ممکن است در قانون تصریح کرد که اداره است خانه فقط مسئول وجوه و حوالجاتی خواهد بود که در کافندی های بیمه شده فرستاده میشود و اگر در کافندهای بیمه نشده فرستاد مسئولیت برعهده فرستنده است اگر رسیده خیلی خوب والا اداره است مسئول نیست

مخبر - عرض میکنم این مسئله که در اینجا قید شده از آن نقطه نظر صرفه اداره است بلکه اداره است باید یک مسئله دیگری را در نظر بگیرد و آن تنظیم اداره بستخانه است وقتیکه بنا شود ما مردم را مجاز کنیم که هر کس در یا کت خودش جواهر یا اسکناس یا مسکوکات بگذارد و بدون سفارش یا بیمه کردن بفرستد آنوقت اجزاء اداره است بواسطه آن تجربیاتی که در این مدت حاصل کرده اند بواسطه لمس کردن نوشتجات میفهمند که توی این یا کت اسکناس هست یا نیست آنوقت می توانند آن یا کت را از میان ببرند وقتیکه آن یا کت را از میان بردند بالطبع اسباب سوء ظن مردم از اداره است میشود و مردم دیگر اطمینان نمیکند چون تمام اعضاء اداره است که مقصود نیستند و البته ممکن است در تمام جاها اجزاء امین موجود نباشد و شاید بعضی جاها یکی دو نفر پیدا شود و این کار را نکنند مثلاً یک فراش یا غلام یا اجزاء یا کت را از میان ببرند و همه روزه زحمت از برای اداره دولتی فراهم کنند و علاوه تمام مردم از این اداره دولتی سوء ظن پیدا کنند و بهیچوجه مکاتبه نشود باین جهت است که این ماده را گذشته و منع کردند علاوه از برای حوالجات با هم حامل مثلاً امروز ممکن است یک پستی را در راه سرقت کنند و طرف هم ابدلاً اطلاع نداشته باشد سرقت شده که صاحبش اطلاع بدهد که در جوف کافندی شما یک اسکناس یا برات بود و این ضروری است که برای عموم مردم فراهم میشود و همچنین از برای سایر اشیاء از قبیل جواهرات و نقره آلات و سایر اشیاء قیمی اینها هم همینطور است

سردار معظم - بنده متعرض جواهرات نشدم فقط بنده راجع بحواله و اسکناس بود

مخبر - مقصود بنده این است که جواهرات و سایر اشیاء هم همینطور است و یک نوع انتظامی در اداره است تولید خواهد کرد باین واسطه اداره است این کار را ممنوع کرده است

مدرس - بعد از این براهینی که آقای سردار فرمودند نمیدانم چطور قانع نشدند این که فرمودند باعث سوء ظن مردم از بستخانه میشود بنده عرض میکنم که سوء ظن در همه جا ضرر دارد ولی در اینجا

بخصوص نفع دارد بجهت اینکه بواسطه همین سوء ظن برات و اسکناس را بیمه میکنند پس این سوء ظن باید باشد تا فرض اداره حاصل شود و الا اگر این سوء ظن نباشد هیچکس بیمه نمیکند و دایم هم ندارد بکنند پس عقیده بنده و آقایان این است که ذکر این مطلب هیچ جهتی ندارد و اسباب رفاهیت مردم هم نیست و بفرمایش اهل خبره (الضمان بالخراج) نه مزدی میگیرند و نه ضمانتی دارند و در حقیقت کافندی است که جوفش اسکناس دارد و صاحبش اطلاع نمیدهد بست ضامن سه مثال کافندی ضامن اسکناس نیست گریه سه مثال کافندی میگرد رسیده رسیده رسیده ضمانت ضامن اسکناس نیست ضمانت سه مثال کافندی است لهذا بنده هم با آقایان موافقم که این ماده حذف شود

معاون وزارت پست و تلگراف - باینکه گمان میکنم باین قسمی که آقایان مخالفت می کنند این ماده حذف خواهد شد ولیکن لازم است قبل از این مطلب را عرض کنم که بعد از اینکه حذف شد بدانند چه ماده حذف شده است همانطور که آقای مخبر توضیح دادند این مسئله بهیچوجه من الوجوه از برای مردم نافع نیست و حذف این ماده اسباب هرج و مرج خواهد شد و اداره است دیگر نمیتواند مردم را ملتفت کند اسباب خسارت مردم میشود چون ممکن است این مطلب را فقط چند نفری از روی این قانون ملتفت شوند چنانچه میفرمائید وقتی نوشته شد اداره است مسئول اسکناس نیست در یا کت خود جا بدهند ولیکن ممکن است اغلب مردم از این مطلب استفاده نکنند پس گذاردن این ماده برای این است که مردم بدانند و بفهمند که جادادن اسکناس و حوالجات در یا کت از برای خود آنها ضرر خواهد داشت حالا یک چیز دیگری عرض میکنم در اصل مطلب که اختلافی نیست میفرمایند در عوض این ماده نوشته شده که اداره است مسئول اسکناس با اشیاء قیمی بیمه نشده نیست معنی آن با این هر دو یکی است و هیچ اختلافی ندارند اینجا میفرمایند اکیداً ممنوع است چنانچه عرض کردم جا دادن اسکناس و حواله را منع می کند ولی جلوگیری نمی کند از اینکه کسی نگذارد بعد از اینکه گذارد اگر مفقود شد همان معنی را داد یعنی اداره است مسئول نیست و اگر یک کسی را که از کاری بخود او خسارات وارد می آید منع کردیم فائده اش از برای اداره است نیست و متوجه بخود صاحب مال است و بعد از اینکه ما او را متنبه کردیم آنوقت همانطور که آقا فرمودند میخواهد اسکناس خودش را پاره کند یا دور بیندازد مختار است ما فقط او را متذکر می کنیم حالا اگر مطلبی را که آقا فرمودند یعنی بنویسیم اداره است مسئول نیست آنوقت یک بی ترتیبی در اداره است پیدا میشود چون اداره است مکلف است یا کت غیر سفارشی یا اشیاء بیمه نشده بغیر ذلک بیمه را باید ترتیب حمل کند و مقصودش این است که ببرد بفهماند که اداره است اداره منظم و مرتبی است و باید اشیاء مردم را حفظ کند که صحیحاً بدست طرف آنها برسد ولیکن وقتی که این ماده را اینجا بگذارند بطور تحقیق قائل شده اند که تمام یا کت و نوشتجاتی که میفرستند اسکناس و برات بگذارند آنوقت هم اسباب خسارت مردم باشد هم اداره است در زحمت باشد در صورتی که مقصود از این ماده این است که جا دادن اسکناس و

حوالجات با هم حامل و قطعات پول یعنی مسکوکات در مراسلات بیمه نشده و سفارشی ممنوع است آقا میفرمایند نوشته شود اداره است مسئول اسکناس یا حواله یا بروات که در کافندی بیمه نشده است نیست این دو عبارت چه تغییری پیدا می کند جز اینکه بواسطه گذاشتن این لفظ که اداره است مسئول نیست آن اداره را یک طوری کرده اند که اجزاء اداره هر طوری بخواهند بکنند مختار باشند و بالاخره کافندی مردم را از بین ببرند ولی وقتی که منع کردیم کسی این کار را نمیکند و باعث این میشود که اجزاء است هم درست مواظبت بکنند و آن جمله را که آقا فرمودند که اگر این ماده اینطور نوشته شود حق داده ایم که ما مؤدین اداره است کافندی های مردم را باز کنند و مطالب مردم را استنباط کنند عرض می کنم این قانون دارای چندین فصل است و هر فصل یک مطلب معینی را قید می کند اگر ملاحظه فرمائید در فصل ۵۵ مینویسند هر گاه یکی از اجزاء مندرجات یا وجود یا کت و سایر مراسلات را که به بستخانه داده میشود فاش نماید مجازات و عقوبات خیلی سخت دارد ابداً بکسی اجازه داده نشده این کار را بکنند در این صورت این ماده با فرمایشی که آقا فرمودند هیچ مخالفت ندارد و برای اینکه عیبی در اداره است پیدا نشود وجود این ماده در اینجا خیلی لازم است

نایب رئیس - گمان میکنم مذاکره کافی باشد آقای مدرس توضیحی دارید

مدرس - عرض این است که شاید بیان من قاصر بوده است بنده عرض میکنم معنی ممنوع بودن این است که باید مجازات شوند ولی مسئول نیست معنی این است که من که اداره است هستم ضامن نیستم صاحب مال خودش خواسته است مال خودش را تقریب کند و تقریب کردن مال خود که مجازات ندارد ولی ممنوعیت اثرش این است که کتکش بزنند مجازاتش کنند ولی مسئول نبودن معنی این طور نیست وقتی که من مسئول نبودم عوض نمی دهم لهذا از این جهت این اظهار بنده با معنای ماده فرق دارد

نایب رئیس - مذاکرات گویا کافی است آقای سردار معظم باز هم فرمایشی دارید؟

سردار معظم - عرض بنده راجع بتجزیه این ماده است و مقصودم این است فقره به فقره رای بگیریم

نایب رئیس - بتقاضای آقای سردار معظم این ماده تجزیه میشود و فقره به فقره رای گرفته می شود

مدرس - پیشنهاد دارم

نایب رئیس - فقره چهارم را میخوانم تا پیشنهاد آقا برسد

فقره چهارم بمضمون ذیل قرائت شد
رابعاً - جادادن اسبابهای طلا و نقره و جواهرات و سایر اشیاء قیمتی و قطعات پول در یا کتها و لوا اینک بیمه یا سفارشی شده باشد و در سایر مراسلات پستی غیر از امانات پستی بیمه شده

آقا شیخ محمد جواد - در اینجا منع میکند از اینکه جواهرات و طلا آلات و مسکوکات را در کافندی ها ولو اینکه بیمه و اسفارش شده باشد یا بدهد در صورتیکه در قسمت اول میگوید که در

مرسولات بیمه نشده و غیر سفارشی در ماده قبل اجازه میدهد در یا کت سفارشی و بیمه شده میتوانند مسکوکات را حمل و نقل کنند و در اینجا منع میکند و این ماده با ماده اول مخالف و ضدهم است و باید حذف شود

سردار معظم - یک اشتباهی برای آقایان نمایندگان شده است و گمان کرده اند این فقرات ماده های مخصوص هستند در صورتیکه اینطور نیست و تماماً فقرات یک ماده هستند

آقا شیخ جواد - راست است که اینها فقرات یک ماده هستند ولی چند فقره که در یک ماده ذکر میشود باید هر فقره دارای یک مطلب مخصوص باشد و ضد همدیگر نباشد ولی این دو فقره بکلی ضدهم هستند

مخبر - اگر ملاحظه فرمائید میبینید که این دو فقره ضد همدیگر نیستند در فقره اول میگوید اسکناس و حواله جات مسکوکات در یا کت بیمه نشده ممنوع است و در اینجا مینویسند که جواهرات و اشیاء قیمتی و قطعات پول فقط (قطعات پول) مکرر شده است و باید حذف شود والا چیز دیگری نیست که ضد همدیگر باشند

نایب رئیس - مطابق تقاضای آقای سردار معظم این ماده را جزء جزء رای میگیریم و هر فقره را که آقایان مخالف باشند در وقت رای دادن رای نخواهند داد و حذف میشود - آقایان بیکه قسمت اول را تصدیق میکنند قیام نمایند

(عده کثیری قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد - فقره دوم قرائت میشود

(بمضمون فوق قرائت شد)

نایب رئیس - آقایان بیکه قسمت دوم را تصدیق میفرمایند قیام خواهند فرمود

(اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد - در قسمت سوم و چهارم آقای مدرس پیشنهادی کرده اند که قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم بجای فقره سوم و چهارم نوشته شود اداره است مسئول اسکناس و اشیاء فقره سوم و چهارم که بیمه نشده باشد نیست

نایب رئیس - توضیحی دارید

مدرس - فلسفه که در فقره سوم گفته شد در چهارم هم جاری است لهذا عقیده بنده این است که بجای این دو فقره یک فقره نوشته شود که اداره است مسئول اسکناس و حوالجاتیکه با هم حامل و اشیاء طلا و نقره و جواهرات و امثال غیر از امانات پستی بیمه شده نخواهد بود بواسطه اینکه همان فلسفه که در فقره قبل گفته شد در این فقره هم همیناً جاری است

مخبر - آن مطالبی که در فقره ثالث نوشته شده هیچ مربوط بفقره رابع نیست بواسطه اینکه این اسباب ها را مطلقاً نمی شود در یا کت قبول کرد اصلاحی شود آنها را در جوف یا کت گذاشت زیرا

یا کت را پاره میکنند و می افتند این قبیل چیز ها را باید جوف امانت گذاشت نه جوف یا کت
مدرس - تصور میکنند بنده گمان میکردم

یک من طلا جوف یا کت میکنند که میگویند یا کت را پاره میکنند ممکن است بنده صد اشرفی و یا پنج هزاری را بگذارم توی یا کت و با آخرین نقطه ایران بفرستم و عیبی هم نکند ممکن است یک یا کت مناسبی برای آن درست کنم یا جوف چرم بگذارم و آن چرم را توی یا کت بگذارم و هیچ پاره نشود این بیاناتی که فرمودند موضوع ندارد فرضاً من اشرفی را در یا کتی بگذارم که غیر معکم باشد و یا کت را پاره کند با دانه پست رجوهی ندارد صاحب مراقبت نکرده است و گم شده است بیمه کننده تقریباً نشود بنده میگویم همان ادله که در اسکناس گفتیم همان ادله در اینجا هم جاری است و جهت فرق گذاردن میان آنها با اینها نمیشود پاره شدن یا کت قرارداد یا کت معکم درست میکنند که پاره نشود توی یا کت چرمی میکنند و آن پاره نشود و بنده همان فلسفه را در اینجا هم جاری میدانم و بجای این دو فقره عقیده ام این است یک فقره نوشته شود باینطور که اداره است ضامن آنها که بیمه نشده نیست

نایب رئیس - رای میگیریم آقایان بیکه پیشنهاد آقای مدرس را قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده قلبی قیام نمودند)

نایب رئیس - قابل توجه نشد - رای میگیریم بقسمت سوم آقایان بیکه قسمت سوم را تصدیق میکنند قیام نمایند

(عده قلبی قیام نمودند)

نایب رئیس - رد شد - آقایان بیکه قسمت چهارم را تصویب میفرمایند قیام خواهند فرمود

(عده کثیری قیام نمودند)

نایب رئیس - اکثریت است - ماده ششم قرائت میشود

(بمضمون ذیل خوانده شد)

ماده ششم - اداره است از حمل اشیاء ذیل امتناع دارد

اولاً - مستورجات تجارته و سایر اشیائی که محتال ایرات خطر برای اجزاء باشد و یا اینکه مراسلات پستی را کشف و ضایع کند ثانیاً - مراسلاتی که حقوق یا کتی آنها تعلق میگیرد و وزنشان از (۲۰۰) مثقال بیشتر است در صورتیکه کاملاً تبرزه نشده باشد ثالثاً - مستورجات مال التجاره که بیش از (۷۵) مثقال وزن داشته باشد

رابعاً - جوهر خشک یا معلول و رنگهای ملونه خشک یا مایمی که جوهر در آن داخل باشد خامساً - کارتهای پستی و کتابها و جراید و مطبوعات و تساویر و اشکالی که مورس شورش و فتنه یا مخالف قوانین مذهبی و اخلاقی باشد

نایب رئیس - در قسمت اول نظریاتی است اظهاری نشد

در قسمت دوم نظریاتی هست

مدرس - خوب است توضیح بدهند

نایب رئیس - در چه موضوع توضیح میخواهند

مدرس - عرض من این است مراسلاتی که حقوق یا کتی آنها تعلق میگیرد و وزنشان از دوست مثقال بیشتر است در صورتیکه کاملاً تبرزه

نشده باشد این جمله آخر که میگوید کاملاً تمبرزده نشده باشند یعنی چه

مخبر - ممکن است يك پاكتي كه يانصد مثقال وزن داشته باشد بياورند و در جمعههاي پستی بيندازند و اين يانصد مثقال را شش شاهی تمبر زده باشند اداره پست از حمل اين قسم پاكتمن امتناع ميكند ولي وقتيكه وزنش (۲۰۰) مثقال باشد و تمبرش كسر باشد اداره پست قبول و حمل ميكند و چون واقعاً ممكن است يك پاكتمن بياورند كه پنجهزار مثقال وزنش باشد و پول تمبرش را ندهند آنرا اداره پست قبول نميكند زيرا اگر قبول كنند ضرر فوق العاده ب اداره پست وارد ميشود

سردار معظم - بنده تعجب ميكند چطور ميشود در باب پاكتهای معمولی که تمبر نمیچسباند ادله اقامه میشود که باید دو مقابل و چهار مقابل از طرف گرفت و ضرری هم برای دولت ندارد ولی اینجا همینکه يك پاكتمن وزنش از دوپست مثقال زيادتر شد آنوقت تمام اين فلسه محكم تبديل ميكند و نظر ديگري پيش ميايد در قانون گذاري مقنن بايد يك اصلي را اتخاذ كند و از روي آن اصل تمام مواد آن قانون را بنويسند اگر كليۀ دراين قانون مقنن معتقد باین باشند که فرستنده كاذفحق ندارد تمبر بچسباند و بايد كسر تمبر داشته باشد همین فلسفه را علاوه بر كاذف در باب امانات هم بايد منظور كند كه اگر كسر تمبر داشته باشد طرف آن قيمت را بدهد و الا بنده هيچ نمیفهمم كدر اينجا پاكتمن بدون تمبر را قبول كنند و در برابر از طرف مقابل جريمه بگيرند و در اينجا وقتي كه پاكتمن زيادتر از دوپست مثقال وزن داشته باشد بهيچ وجه قبول نكنند دليلش چه چيز است خوبست يكي از اين دو مطلب را حذف كنند و يكي را بجايل خود بگذارند

مخبر - آنجا نوشته شده اگر مستوره جات و مطبوعات را بدون تمبر فرستند پستخانه قبول ميكند اگر درست ملاحظه بفرمائيد از برای هر چيز بايد يك وزن معين تعيين كرد از برای مستورجات اداره پست ۷۵ مثقال وزن معين كرده و از برای مطبوعات (۴۰۰) مثقال اما از برای پاكتمن وزن معين نشده و بايد معلوم شود كه تا چه اندازه اداره پست ميتواند قبول كند ممكن است يك پاكتمن بياورد و پست بياورد كه وزنش دوهزار يا پنجهزار مثقال باشد و اگر حدى معين بكنيم اداره پست بايد قبول كند در هر صورت بايد يك وزني را از برای پاكتمن قائل شويم كز يادتر از آن وزن نداشته باشد تا اداره پست بتواند قبول كند چون پاكتمن با مطبوعات خيلي فرق دارد و البته مطبوعات زيادتر است و وزنش هم زيادتر معين شده ممكن است پاكتمن دو هزار مثقالی را بياورند در صندوق پست بيندازد و پست هم حمل كند و ببرد و طرف قبول نكنند آنوقت از برای اداره پست خيلي خسارت فراهم ميشود ولي پاكتمن دم مثقالی يا بيست مثقالی يا پنجاه مثقالی يا دوپست مثقالی را اداره پست ميتواند قبول كند و تحمل اين خسارت را بكنند مالمالیه بايد يك حدى از برای اينكار قرارداد

مدرس - اگر ميخواهيم از روي دليل حرف بزنيم خوب بود در اين قانون مينوشيم اگر تمبر نزنند اداره پست قبول نميكند ولي حالا كه يك طريق ديگري اتخاذ كرده اند بنده هم بين آنها فرق نميكند مگر آن فلسفه كدر كاذفهاي معمولی در نظر بود

در اینجا میشود گفت بهتر است زیرا آن پاكتهای معمولی را ديرتر قبول ميكند بجهت اينكه ممكن است ولي پاكتمن يانصد مثقالی را بخيال اينكه در او يك چيزی است قهراً قبول ميكند و حقوق پستی آنرا مبدد باین دليل بنده تصديق ميكند كه اين پاكتمن يانصد مثقالی حكم همان پاكتمن معمولی را دارد اولاً اگر اين فلسفه را منظور ندارند بايد بگوئيم هيچ پاكتمن را بدون تمبر قبول نكنند و تمبر در روي آن پاكتمن نباشد تمبر ند

معدل الدوله - بنده همچو می بینم که مواد این قانون پستی بشکلی میگردد که وقتیکه این قانون تمام شد و گذشت مواد آنرا که پهلوی هم بگذاریم برای اجرا شدن هیچ موافقت با یکدیگر نداشته باشد يك تعقیقی آقای سردار معظم فرمودند که باید بهینم قانون گذار در هر موقع نقطه نظرش چه چيز است تا از روي اساس قانون بگذاریم بنده هم نمی توانم بگویم که نقطه نظر در اینجا جريمه گرفتن باشد که بگوئيم اگر يك پاكتمن قيمتش زيادتر شد جريمه آن بیشتر می شود و قاعده و انتفاع اداره پست زيادتر خواهد شد بلکه نظر بنده در وضع كردن قانون خصوصاً قانون پستی بشت و تنظیم اداره و آسایش مردم و تحصيل اجرت و مخارجی است كه دولت از برای اداره كردن اين كار متحمل می شود پس در اين قانون قاعده و مأخذ و اساس را وقتي در نظر بگيريم میبينيم دولت را بايد تعقيب كرد يكي جريان كار اداره را كه بچه شكل بايد اداره كرد و يكي تعيين عايدات اداره را كه از روي چه مأخذی كه كفايت مخارج اداره بكنند بايد در نظر گرفت اما راجع ب مواد گذشته بنده هيچ عرض نمی كنم زيرا در فقره رابع از ماده پنجم بقدر كفايت مذاكره شد ولي در اين مورد كه آقایان اختلاف نظر دارند بنده در خاطر هست و در شور اول هم عرض كردم كه اگر كاذف تمبر نداشته باشد با اينكه كسر تمبر داشته اداره پستخانه مكلف است آن پاكتمن را بصاحبش برساند و حقوق آن پاكتمن را در صورتيكه قبول نمايد دو مقابل بگيرد در اين فقره خيلي مذاكره شده است و بنده هم موافق بودم كه برای سهولت كار و مراسلات آن اشخاص یعنی آن در مانده هائی كه می خواهند خبری بصاحب كار خودشان بدهند و پول ندارند كاذف خودشان را بپردازند در صندوق پست بيندازند اداره پست هم او را حمل می كند و طرف مقابل هم با كمال آرزومندی منتظر همین پاكتمن است اين پاكتمن را كه مياورند قبول می كند و دو برابر را از روي ميل مبدد و ممكن است يك پاكتمن را ببرند و طرف قبول نكنند در اینجا يك ضرری برای دولت هست ولي از طرف ديگر از پاكتمن هست كه صاحبش بامتن قبول خواهد كرد و دو برابر را مبدد و خسارت دولت را تلافی خواهد كرد و اما راجع باین مسئله كه قيد كرده اند اگر بیشتر از دوپست مثقال باشد اداره پست امتناع ميكند اين مسئله آنقدر اهم نیست و قابل توضیح هم نیست چنانچه عرض كردم و اساس این قانون دو نقطه نظر را بايد ملحوظ داشت كه اشكال فراهم نشود و اجرايش هم ممكن باشد و اينكه نوشته

شده بیشتر از دوپست مثقال را اداره پست امتناع ميكند اين قيد بجهت اين است كه پاكتمنی كه وزن شد البته محتاج بيك اجرت زياد نیست و ممكن است طرف مقابل قبول نكنند البته تصديق خواهيد فرمود كه خسارتش برای دولت زياد است و در عوض هم چيزی نداريم كه اين خسارت را تلافی نمايد باین واسطه اين قبيل پاكتمن استثناء شده است و اين از آن نقطه نظری كه آقایان داشتند خارج است ولي كرده اند یعنی يك پاكتمن سه شاهی يا پنجشاهی يانصد عبايی را كه در ميان صندوق مياندازد طرف مقابل چندان ضرری نمی بيند ولي در پاكتهای وزير ممكن است يك کسی صورت حسابی از يك تجارخانه خواسته باشد و فلان شاگرد تجارتخانه برای اينكه پول ندهد يك مقداری پاكتهای خودش يا مال ديگري را جمع كند و جوف آن پاكتمن بگذارد و شايد آن کسی كه صورت حساب خواسته است طلبكار هم بوده است اينست كه آن شخص آن كاذف را ميارد و بدون تمبر در صندوق مياندازد اداره پست هم او را حمل مينمايد و بعد طرف قبول نمی كند در صورتيكه پنج تومان ياد تومان كسر تمبرش ميشود در اين صورت اداره دچار اشكالات زياد خواهد شد و با اداره پست يك ضرری وارد خواهد آمد باین واسطه از برای اين قبيل پاكتمن حدى معين شده است و هيچ منافاتی هم ندارد بلكه موافق است بآن نظريه كه مابرای تنظيم اداره پستخانه و برای تحصيل يك منافعی كه بقدر مصارفی كه اداره پست برای حمل و نقل متحمل ميشود باشد در نظر گرفته ايم تصور بفرمائيد آن كسانيكه پاكتمن بيش از دوپست مثقال را مفرستند البته آن آدم يك شخص مستاصلی نیست كه آن پاكتمن را بدون تمبر در صندوق پست بيندازد و بايد خودش ببرد در پستخانه بدهد اين يك قاعده كلي برای قانون است اگر چه صندوقهائی كه حالا داريم برای پاكتمن های سه شاهی و سه عباسی است ولي اگر بعد ها صندوقهائی بگذاريم كه بتوانند بسته های بزرگ را بيندازند اداره پست مكلف است آن پاكتمن را بصاحبش برساند ام از اينكه قبول بكنند يا نكنند باین جهت عرض ميكندم اگر اين ماده بدون استثناء بگذرد اسباب اختلال كار اداره پست را فراهم خواهد كرد و تصور ميكند همين طوری كه نوشته شده است بهتر باشد

سردار معظم - بله بنده هم همانطوری كه آقای معدل الدوله فرمودند می بینم كه این قانون بطرز غریبی پیش می رود نه اینکه بنظر بنده پیش نبرود ممكن است آن نقطه نظری را كه فرمودند بايد داشته باشيم بيش نرود عرض ميكندم در اینجا وقتيكه مقنن معتقد بيك اصلي شد بايد آن اصلي را در همه جا مچري دارد والا يك قضيه را آنقدر كوچك كردن كه ممكن است يك آدم بيچاره پنجشاهی نداشته باشد و كاذفش را تمبر نزنه باشد و از طرف ديگر گفته شود يك کسی صورت حساب خواسته و طلبكار است و پنج شش تومان كرايه آن ميشود و شايد قبول نكرد و امتناع خواهد كرد بنده اين مذاكرات را هيچ بك نظر افراط و تفریطی می بينم بمناسبت اينكه هر دو مورد ممكن است باشد يا نباشد یعنی مقنن همین كه معتقد بيك اصلي شد بايد آن اصل را در تمام موارد معتقد باشد مثلاً بگويد اداره پست خانه هيچ نوع كاذفی و هيچ نوع امانتی را قبول نميكند مگر اينكه قبل از عمل آن امانت يا پاكتمن

تأديه شده باشد و این يك نظری است كه بمقیده بنده خیلی خوب است زیرا اگر اين طور نوشته شود آن وقت قضيه تمبر و پاكتمن تمبر بلكی از ميان ميرود اگر اينطور نوشته شد آن وقت در هر موقعی كه بنده بخوام يك كاذفی به پستخانه بدهم ام از اين كه پنج مثقال باشد يا يانصد مثقال يا هزار مثقال فرق ندارد پستخانه به بنده ميگويد مطابق قانون شما حق پست را تأديه كنيد تا من كاذف شما را برسانم و اگر اينطور نشود ممكن است اشكالاتی فراهم شود همانطوريكه در شور اول گفته شد ممكن است كاذف هائی بدون تأديه حق پست فرستاده شود كه کسی تمبر داشته باشد در آن صورت دو مقابل گرفته شود بنده معنی اين را نمی فهمم كه اگر يك پاكتمنی (۱۹۹) مثقال وزن داشته باشد اين اصل جاريست و ممكن است قيمت كسر تمبر او را طرف بدهد اما بمجرد اين كه دوپست مثقال يا بيش از دوپست مثقال شد يك فلسفه تازه پيدا ميشود كه اداره پست خانه را مكلف بقبول نكردن ميكنند بلی اداره پست خانه اگر نظری دازد خوبست در قانون بنويسيد كه كايه پاكتمن هائی كه زيادتر از دوپست مثقال باشد قبول نخواهد كرد ولي مقيد كردن بپاكتهای بيش از دوپست مثقالی كه كسر تمبر دارد هيچ معنی ندارد و يك چيز غریبی است اما در باب صورت حساب كه فرمودند خاطر ايشانرا متذكر ميشوم كه يك ماده راجع به مطبوعات معين شده است و خارج از اين موضوع است و ربطی باین ماده ندارد بالاخره اگر كايه پاكتمن محدود بدو پست مثقال شد خيلي سهل است و مردم ميتوانند مراسلات خود را در دو سه پاكتمن بگذارند و برای طرف مقابل بفرستند و اداره پست هم هيچ مسؤليتی ندارد و می تواند بطرف بگويد دو مقابل بايد بدهی و آن طرف مجبور خواهد شد دو برابر را بدهد و اين مذاكرات بنده را قانع نكرد و ميگويند يك نظر و ملاحظات ديگري هست كه بآن نظر و ملاحظات قانون وضع ميشود بنده اصلاً نميدانم چه ملاحظاتی است كه نمی توان بيك ترتيبی قانون وضع كرد كه در تمام مكاتب اجرا شود

عبد الملک - در اینجا كه كسر تمبر را نوشته اند در باب كتهای بيش از دوپست مثقال پستخانه قبول نميكند مخالفتی با موارد ديگر ندارد زيرا اول يك قاعده كلي را مينويسد و اينجا پاكتمن دوپست مثقال بيشتر را از آن قاعده استثناء ميكند و همانطوريكه آقای مدرس اشاره فرمودند ممكن است برای آن کسی كه پاكتمن باوميرسد نفع هم داشته باشد و قبول كند دو مقابل را هم بدهد زيرا اغلب پاكتهائی كه بدون تمبر يا كسر تمبر فرستاده ميشود مراسلات تجارتي است كه غالباً آن پاكتمن قبول ميشود و از برای دولت يك فايده دارد و هيچ ضرری هم ندارد

نایب رئیس - مذاكرات کافی است در فقره ۴ نظريات هست

آقا ميرزا ظاهر - مقصود از رنگ ملونه چیست

آقا شيخ محمد جواد - بنده در همین موضوع توضیح ميخواهم

نایب رئیس - آقای مخبر توضیح ميبندد

مخبر - بله اینجا گمان ميكند ملونه اشتباهاً نوشته شده باشد بايد حذف شود

آقا شيخ محمد جواد - اینجا مينويسد جوهر خشك باز در آخر مينويسد كه جوهر در آنها داخل باشد مقصود چه چيز است در جوهر جوهر داخل باشد كه معنی ندارد

مخبر - مينويسد ما يمی كه جوهر در آن داخل باشد ممكن است آبی باشد كه جوهر داخل آن باشد

نایب رئیس - در فقره پنجم نظرياتی نیست

(اظهاری شد)

این ماده هم بنا به تقاضای آقای سردار معظم تجزیه ميشود و جزء جزء رای گرفته می شود در اينوقت بتمام فقرات ماده ششم فردا فردا بقیام قومرداری گرفته با كذريت تصويب شد

نایب رئیس - اگر آقایان موافق باشند جلسه را ختم می كنيم و جلسه مياندازد برای روز پنجشنبه ۴ ساعت بظهر مانده دستور هم شود در بقیه قانون پستی خواهد بود و راپورت هم از كميسيون هرايض رسیده كه در جلسه بعد خوانده خواهد شد بلكی راجع بمرخصی آقای حاج امام جمعه و يكي هم و آقایان را يادآوری ميكند آقای حاج ميرزا اسدالله خان و آقای عماد السلطنه در جلسه قبل برای نظارت بر سیدگی انتخاب اعضاء كميسيونها معين شدند و گویا انتخاب هنوز صورت نكرته است

عماد السلطنه - ما حاضر شدیم وليمكن آقایان برای رای دادن حاضر نشدند

نایب رئیس - حالا كه آقایان تشریف ميبيرند در خارج آن عده را انتخاب مينمايند - آقای حاج هز الممالك هم در موضوع كرامناشاهان اظهاری داشتند

حاج عز الممالك - چنديست بنده از وزير داخله سؤالی راجع بكرامناشاهان دارم و هنوز در مجلس شورای ملی حاضر نشده اند كه جواب بدهند اگر بايستی اين مذاكره در يك موقعی باشد كه آقای وزير داخله هم حاضر باشند ولي لازم ميدانم خاطر نمايندگان محترم را بطور اختصار مسبق نمايم كه معين شود ما و كلا بوظیفه خودمان بآن درجه كه ممكن است عمل ميكندم البته نظر بتقويتی كه بايد از دولت بشود حاضر نشده ايم با وزراء بترتيب استيضاح رفتار كنيم ولي دولت هم بايد تا يكدرجه مقيد باشد كه در موقع سؤال يك وكيل در مجلس شورای ملی حاضر شود و در يك همچو موقع مهمی كه از برای كرامناشاهان حادث شده است جواب بدهند نه اینکه از فرستادن حكومت و اقداماتی كه بايد در اين خصوص بفرمائيد مسامحه و مضايقه شود و بايد نمايندگان محترم مسبق باشند كه حقیقه ماها در فشار موكلين هستيم و بايد بترتيبی رفتار شود كه آسوده باشيم

نایب رئیس - بوزیر داخله تأكيد خواهد شد كه زودتر برای جواب سؤالات حاضر شوند

مجلس نیم ساعت قبل از ظهر ختم گردید

جلسه ۴۷

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه

بيست و ششم رجب ۱۳۲۷

مجلس تقريباً دو ساعت قبل از ظهر در نعت

رياست آقای سليمان ميرزا نائب رئيس منعقد صورت مجلس روز ۳ شنبه بيست و چهارم فرائت گردید

غائب بی اجازه - آقای سردار معظم

غائبین با اجازه - آقایان وقار السلطنه - مرآت السلطان

نایب رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی هست ؟

سردار سعيد - بنده ميخواستم عرض كنم آن پيشنهادهی كه بيست نفر از آقایان ...

نایب رئیس - مذاكره راجع بصورت مجلس است در صورت مجلس اگر اظهاری داريد بفرمائيد

مدرس - در آن جلسه مذاكره شد كه آقای حاج امام جمعه اجازه مرخصی خواسته اند اینجا بی اجازه نوشته اند

نایب رئیس - جلسه قبل بی اجازه بوده اند هنوز راپورت كميسيون هرايض تصويب نشده اگر راپورت تصويب شد برای جلسات بعد با اجازه نوشته ميشود پس در صورت مجلس نظرياتی نیست صورت مجلس تصويب شد - دستور امروز شود در بقیه قانون پستی است در جلسه گذشته ماده ۵ و ۶ بتقاضای آقای سردار معظم جزء جزء رای گرفته شد و فراموش شد در كلياتش رای گرفته شود حالا بايد رای بگيريم مذاكرات هم شده است

سردار معظم - آن روز فقره سوم حذف شد و بنا شد يك تبصره اضافه شود كه بعد ها اسباب زحمت نباشد آقای مخبر هم قبول كردند كه اضافه كنند و آن اين بود كه بايد در اين قانون تصريح شود كه مردم بتوانند حوالجات با اسكناس خودشان را در جوف پاكتمن بيمه نشده نفرستند ولي بايد تصريح شود كه دولت فقط مسؤليت پاكتهای بيمه شده را دارد كه فردا اسباب زحمت دولت نشود قرار بود اين مسئله را آقای مخبر تصريح كنند اگر اين مسئله اضافه شده است ميتوانيم رای بدهيم و اگر نشده است بايد تصريح شود

مخبر - اين مطلب را بايد در فصل مسؤليت نوشت یعنی در ضمن مواديكه مسؤليت اداره پست رامعین ميكند بايد نوشته شود در اين فصل نميشود نوشت

سردار معظم - بسيار خوب

نایب رئیس - پس ماده پنجم يكدهم ديگر خوانده ميشود و رای می گيريم

(بعضون ذيل قرائت شد)

فصل ۵ - آنچه اكيذا ممنوع است

اولاً - جا دادن پاكتمن ها و اينكه سرباز باشد و يادداشتهايكه در حكم مكاتبات شمرده ميشوند در امانات پستی سريع السير و امانات بطئي السير دسته ها و روزنامهجات و مطبوعات و مستوره های تجارتي و اوراق كار كه حقوق مخففه پستی بآنها تعلق می كيرد

ثانياً - مكاتبات شخصی و مرقومات و هلاماتی كه شبیه بآن است در روي لفاغه مرسولات كه حقوق مخففه پست بآنها تعلق می كيرد باستثنای مكاتبه كه فصل بيستم اين قانون در روي كارت ويزيت اجازه می دهد

ثالثاً - جادادن اسبابهای طلا و نقره و جواهرات و ساير اشياء قيمتی و قطعات پول در پاكتمن ها و